

حماسه‌سرایی در ایران

از قدیم‌ترین عهد تاریخی تا قرن چهاردهم هجری

تألیف:

دکتر ذبیح‌الله صفا



فهرست مطالب

سرآغاز ۱۵

پیش‌گفتار - ماهیت و کیفیت حماسه

انواع شعر	۲۳
شعر تمثیلی	۲۳
شعر غنائی	۲۴
حماسه	۲۴
انواع منظومه‌های حماسی	۲۶
خصائص منظومه حماسی و عناصر آن	۲۸
منشاء حماسه ملی	۳۳
شعر حماسی و شعر غنائی	۳۴
حماسه در ادبیات عرب	۳۶
خاتمه	۳۸
مآخذ پیش‌گفتار	۳۹

گفتار نخست - تکوین و تدوین حماسه ملی ایران

فصل اول - نشأت و تکوین حماسه ایران ۴۳-۴۹

۱- انواع شعر

ناقدان پیشین در باب انواع شعر و چگونگی هریک سخنها گفته و دفترها پرداخته‌اند اما نتیجه سخن با همه بحثهای آنان در این منحصر است که شعر را سه نوع منقسم می‌توان ساخت:

۱- شعر تمثیلی^۱ ۲- شعر غنائی^۲ ۳- شعر حماسی^۳.

اگرچه ناقدان دیگر خاصه ناقدان جدید توانسته‌اند انواع دیگری مانند شعر حکمی (پند و اندرز)^۴ و شعر وصفی^۵ را بر انواع مذکور بیفزایند اما حتماً آنها را از انواع مستقل اصلی شعر نمی‌پندارند و معمولاً در ذیل انواع سه‌گانه مذکور قرار می‌دهند.

۲- شعر تمثیلی

در شعر تمثیلی مقصود اصلی و اساسی شاعر نمایش زندگی و مظاهر مختلف آتست چنانکه در نظر بیننده بوسائل خاص مجسم شود. بعبارت دیگر شاعر با ساختن شعر تمثیلی یک حقیقت و واقعه را از حیات عادی بشری و از اعمال یک یا چند فرد معین می‌گیرد و آنگاه با خیالات شعری و یا با مقاصد فلسفی و اخلاقی و اجتماعی خود نزدیک می‌کند و بعد دوباره آنرا با حیات و حرکت همراه می‌نماید و برابر دیده بیننده تجسم می‌دهد. بنابراین در شعر تمثیلی تنها بوصف اکتفا نمی‌شود و یا سخن از آرمان و آرزوی مجرد نمی‌رود. در شعر تمثیلی شاعر نمی‌تواند از عالم طبیعت بیرون رود، سخن از جهانی دیگر راند، صفیر از کنگره عرش بشنود و با فرشتگان راز گوید... و نیز نمی‌تواند پروزگارهای کهن بازگردد و زبان بیان مفاخر و

1. dramatique
3. épique
5. narratif

2. Lyrique
4. didactique

مردانگیها و پهلوانیهای قومی گشاید.

شاعر تمثیلی مجاز نیست خود را در جریان حکایت و داستان افکند مگر آنکه خود یکی از اشخاص و افراد آن داستان باشد، داوری او نباید هیچگاه از خلال سطور و اشعار آشکار باشد و بعبارت ساده‌تر شعر تمثیلی تنها وسیله تجسم وقایعی است که بنتیجه‌یی بینجامد بی آنکه از خوبی و بدی اعمال برای ما سخنی در آن گفته شود، یا شخصیت‌گوینده و سراینده در آن آشکار باشد.

۳- شعر غنائی

اما شعر غنائی بالعکس با عالم معنی که مدار آن روح شاعر است سروکار دارد و اگر شاعر در چنین شعری دنیای خارج و متعلقات آنرا موضوع بحث خود قرار دهد تنها از آن بابست که عواطف روحانی خویش یاد دیگران را درباره آن فرا نماید. در منظومه غنائی، همواره با عواطف شخصی و تأثرات و آلام و یا لذات و مسرات یک فرد و یک روح کار داریم، در اینجا سخن از وصف آنچه در طبیعت است نمی‌رود بلکه شاعر آنچه را که مطلوب اوست بچشم دل می‌بیند و بزبان عواطف بیان می‌کند، از دریچه چشم مجنون بصورت لیلی می‌نگرد و آن سیه چرده زشت را چون حور بهشت بما می‌نمایاند.

میزان و ملاک حقیقت در این نوع شعر عواطف و روح شاعر است. غرض و غایت شعر غنائی توصیف عواطف و نفسانیات فرد است و تمام عواطف نفسانی بشر از هر نوع که باشد موضوع آن. در توضیح سطر اخیر می‌گویم که تنها نمی‌توان عواطف عاشقانه را موضوع اصلی شعر غنائی تصور کرد و مثلاً از میان همه اشعار، غزلهای عاشقانه را نمودار اصلی شعر غنائی دانست بلکه مراد از «عواطف نفسانی» تمام تجلیات عواطف و احساسات بشری است از احساسات دینی و میهن‌پرستی گرفته تا حیرت و عشق و کینه و تحسر و بیان غمهای درونی و حتی احساساتی که در قبال عظمت بی‌منتهای جهان و شگفتیهای خلقت و سرگشتگی در برابر اسرار سرگمشده طبیعت برآدمی طاری می‌شود.

۴- حماسه

اما حماسه نوعی از اشعار وصفی است که مبتنی بر توصیف اعمال پهلوانی و مردانگی‌ها و افتخارات و بزرگیهای قومی یا فردی باشد بنحوی که شامل مظاهر